



ظرفیت‌های حکمت متعالیه و عرفان اسلامی برای گفتگوی بینا فرهنگی

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: رویکردهای کلامی و یا فلسفی مشایی و اشراقی از اثبات برهانی نفس رحمانی به گونه‌ای که عهده‌دار حل مسئله گفتگوهای بینا فرهنگی باشد عاجز و ناتوان هستند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی گفت: رویکردهای کلامی و یا فلسفی مشایی و اشراقی از اثبات برهانی نفس رحمانی به گونه‌ای که عهده‌دار حل مسئله گفتگوهای بینا فرهنگی باشد عاجز و ناتوان هستند.

به گزارش خبرگزاری مهر، طی روزهای اخیر شهر سن پترزبورگ روسیه محل برگزاری همایشی با مشارکت مراکز مختلف علمی و با حضور اندیشمندانی از سراسر جهان با عنوان «فراگیری رحمت الهی مبدأ گفتگو بین ادیان در قرن بیست و یک» بود. در این همایش حجت‌الاسلام حمید پارسانیابه بازخوانی ظرفیت‌های نظری حکمت متعالیه و عرفان اسلامی برای گفتگوی بینا فرهنگی پرداخت.

این سخنرانی که از سه بخش تشکیل شده می‌کوشد نظریه برآمده از فلسفه و عرفان اسلامی را برای امکان گفتگوی فرهنگی به بحث بگذارد. در بخش اول به تبیین مسئله می‌پردازد؛ بخش دوم معنای رحمانیت رحمانی خداوند به عنوان مبانی عام و شامل در گفتگو بینا فرهنگی مورد بحث قرار می‌دهد و در بخش سوم به راه‌های اثبات رحمانیت خداوند می‌پردازد.

وی گفت: در بخش اول به تبیین مسئله‌ای می‌پردازیم که نظریه برآمده از فلسفه و عرفان اسلامی برای حل آن شکل می‌گیرد. در این بخش لازم است زمینه‌ها و ریشه‌های مشکل و مسئله مربوط به گفتگوهای بینا فرهنگی دنبال گردد و پیشینه مشکل تا فلسفه کانت و فلسفه نیچه و همچنین دیدگاه‌های نوکانتی و پست‌مدرن دنبال شود.

وی افزود: این دیدگاه‌ها با بی‌اعتبار دانستن عقل نظری و ارجاع آن به عقل عملی و یا به اراده انسان، با سوژکتیو کردن معرفت به‌سوی نظریه‌هایی پیش رفتند که معرفت و هویت فرد و عامل را به ساختارهای فرهنگی باز می‌گردانند. این امر علاوه بر آن‌که به مرگ سوژه منجر شده به نسبیت معرفت و حقیقت و به غلبه نوعی هرمنوتیک مفسر محور منجر شد؛ و به دنبال آن فهم و شناخت افراد از یکدیگر را به زمینه‌های فرهنگی مربوط به آن‌ها محدود و مقید ساخت؛ و در نتیجه امکان مفاهمه و گفتگوهای بینا فرهنگی را مورد تردید قرارداد.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی در بخش دوم با بررسی معنای رحمانیت رحمانیه خداوند سبحان به شمول رحمت رحمانیه نسبت به رحمت رحیمیه و دیگر اسماء و صفات الهی پرداخت و گفت: رحمت رحمانیه که نفس رحمانی، فیض منبسط، وجه الله و امر واحد الهی است. به دلیل اینکه با همه اشیا حضور داشته و به همه آن‌ها از آن‌ها نزدیک‌تر است. همان امری است که با ارتباط بی‌تکلیف و بی‌قیاس با مخلوقات و از جمله با هریک از انسان‌ها هویت و معرفت آن‌ها را تعیین می‌کند. به گونه‌ای که هیچ موجودی بدون شناخت آن به شناخت خود و شناخت دیگر اشیا نائل نمی‌شود و هیچ موجودی نیز محروم از ارتباط با آن نمی‌تواند باشد.

وی در جمع‌بندی این بخش از سخنانش گفت: رحمت رحمانیه حقیقت واحدی است که از طریق آن، معرفت مشترک انسان‌ها نسبت به حقیقت و نسبت به خود آن‌ها و همچنین نسبت به یکدیگر پدید می‌آید.

پژوهشگر علوم اجتماعی، فلسفه و عرفان اسلامی در بخش سوم سخنان خود با اشاره به راه‌های اثبات رحمت رحمانیه خداوند و مبادی هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی مربوط به آن گفت: در این بخش ما می‌توانیم از سهرای نقل، عقل و وحی با ارجاع نقل به عقل و وحی بحث کنیم اما بسیاری از فلسفه‌ها و هستی‌شناسی‌ها مانند فلسفه‌های ماتریالیستی و رویکردهای شکاکانه و یا سوژکتیو به معرفت انسانی امکان اثبات نفس رحمانی را ندارند.

وی با بررسی ظرفیت جریان‌های کلامی و فلسفی دنیای اسلام گفت: رویکردهای کلامی و یا فلسفی مشایی و اشراقی از اثبات برهانی نفس رحمانی به گونه‌ای که عهده‌دار حل مسئله گفتگوهای بینا فرهنگی باشد عاجز و ناتوان هستند؛ و تنها حکمت متعالیه و یا آثاری که در حوزه عرفان نظری شکل گرفته‌اند توان اثبات آن را دارند هرچند که رهاورد این دو نیز با یکدیگر تمایز دارد.

این استاد حوزه و دانشگاه گفت: در حکمت متعالیه، فیض منبسط و نفس رحمانی که همان رحمت رحمانیه است مخلوق

نخستین و عقل اول است، که در ردیف و شماره با دیگر مخلوقات قرار نمی‌گیرد؛ و با اقبال و ادبار خود همان‌گونه که مفاد روایات است، عوالم را پدید می‌آورد و لکن در عرفان نظری عقل ظهور رحمت رحمانیه در عالم خلق است که فیض مقدس نامیده می‌شود و سابق بر آن فیض اقدس است که واسطه ظهور اسما و صفات ذاتیه خداوند است.

وی در پایان با جمع‌بندی سخنانش گفت: بر اساس حکمت متعالیه مدار گفتگوهای بینا فرهنگی همان حقیقت عقلی‌ای است که در باطن و نهان انسان‌ها نیز حضور دارد. بر اساس رویکرد عرفانی ارتباط عقلی انسان‌ها ریشه در گفتگوی آدمیان با خداوند سبحان دارد و این ارتباط عقلی مبنای یک گفتگوی بینا فرهنگی را به دست می‌دهد.